

دو نگاه به مسأله زنان



زهرا نژادبهرام

فعال سیاسی اصلاح طلب

چند نگاه نسبت به حوزه زنان در عرصه سیاست کشور وجود دارد، کشور ما یک کشور چند وجهی است و وجود همچنین نگرش های متفاوت است که ضرورت برنامه داشتن و ضرورت انتخاب راهکار نهایی در ارتباط با موضوع زنان مثل همیشه یک اقدام اساسی برای کشور ما است.
متأسفانه در طول چهل وسه سال گذشته هنوز یک برنامه رویکرد منسجم نسبت به موضوع زنان نداشته‌یم. ما با دو خوانش در موضوع زنان مواجه هستیم یک خوانش معتقد به خوانش سنتی و در واقع تعریف نقش خاص برای زنان که همان مادری و همسری است و یک نوع خوانش، خوانشی است که می‌گوید زن علاوه بر این که مادر و همسر است یک انسان است و انسانی که قرار است عرصه های تعالی را طی بکند و نقش اجتماعی ایفاء بکند. طبیعتا می‌تواند صاحب نقش خودش باشد و هم به عنوان یک انسان همان طور که خداوند می‌فرماید «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ... أَنْفَاكُمْ» گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» حرکت بکند و هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و نیست. این دو خوانش در طول چهل وسه سال گذشته همواره در کنار هم قرار گرفته‌اند و در برخی موارد در یابوروی هم قرار گرفتند و به نظر من صحبت‌های نماینده محترم مجلس مبنی بر اینکه دختر ۱۳ ساله می‌تواند از دواج بکند بر گرفته از خوانش اول است و خوانش دوم انتخاب خانم منصوری به عنوان دبیر کل یک حزب اصلاح‌طلب است. از نگاه خوانش دوم خانم منصوری ضمن همسر بودن، مادر و صاحب فرزند بودن می‌توانند شاغل باشند و عرصه‌های سیاست را طی بکنند و نقش اجتماعی خودشان را هم ایفا می‌کنند و ظرفیت دارند در حوزه‌های مختلفی مسئولیت سیاسی را هم به عهده بگیرند. در طول چهل وسه سال گذشته این دو خوانش که مرتب متجز به اقدامات مختلف شده است، قوانینی دستورالعمل هیات وزراء برای انتخاب ۳۰درصد مدیران از زنان در دوره آقای روحانی در نظر گرفته شده بود که داد‌گانه آن را ملغی کرد که بر آمده از یک نوع نگاه به مسأله زنان بود. در مقابل سخنان جناب آقای نماینده یک نوع نگاه است. منظور من این است که ما در این چالش گرفتار شده‌یم و در واقع چشم انداز خوبی برای این تفاوت نگاه برای آینده جامعه ایران نیست. زنان ما امروز بالای ۵۵درصد آنان سواد دارند و نسبت به قبل از انقلاب ۲۵درصد بود یک جبهش بزرگ را شاهد هستیم با این تفاوت که جمعیت کشور در آن زمان حدود ۲۳ میلیون نفر بود و الان ۸۵ میلیون نفر است و این رقم بسیار بزرگی است. ۶۰درصد فارغ التحصیلان دانشگاه ها را زنان تشکیل می‌دهند، بیش از نیمی از کرسی های دانشگاه ها را زنان اشغال کرده اند و فرصت های شغلی بسیاری را دختران ما برای خودشان در ذهن خودشان طراحی کرده اند و نیاز دارند که در جامعه حضور پیدا بکنند و فعالیت هم نیاز دارند نه این که فقط نیاز زنان باشد، جامعه نیاز دارد برای این که بتواند تعادل خودش را حفظ بکند حقوق همه شهروندان را در یک سطح قرار بدهد. موضوع عدالت جنسیتی مسئله بسیار جدی است، امروز هزاره سوم است و ما دیگر نمی‌توانیم با حالت آمراهنه و گفتگو شدن و نشدن افراد را از حقوق خودشان محروم کنیم و یا فرصت بهره گیری از حقوقشان را ندهیم. تعیین تکلیف این مسأله بسیار به ما کمک می‌کند برای آینده این کشور که نیمی از جمعیت آن را زنان تشکیل می‌دهند. ضروری است که هر چه زودتر نهادهایی که برنامه ریز و سیاست‌گذاران هستند نسبت به تهیه برنامه‌ای برای تعریف نگاه جمهوری اسلامی نسبت به زنان اقدام بکنند. از سوی دیگر لازم می‌دانم که چند نکته را به تمام قانونگذاران و برنامه ریزان و تمام کسانی که منصوبه تهیه می‌کنند بگویم که در عصر و زمانه‌ای که زیست می‌کنید دیگر نمی‌توانید یک جانبه از زنان و دختران انتظار داشته باشید یعنی فقط بگویید شما یا مادر باشید یا همسر یا هر دو، اینها افراد جامعه انسانی هستند و شما نمی‌توانید انسان‌ها را فقط بنفشانش تعریف کنید. انسان مخلوق پروردگار است و خدا می‌فرماید بر گزیده ترین شما با تقوا ترین شما است. هیچ تفکیک جنسیتی خودمان متعال در مقام قرب به خودش قبول نکرده است. با توجه به همچنین رویکرد مثبت فقط یک جور لباس تعارض با جامعه‌ای می‌پوشید و به نظر من امروز نیاز به تعارض با جامعه نداریم. امروز نیاز به همراهی، همدلی و گفت و گو داریم.

نکته

نعمت احمدی:

اصل همه‌پرسی یا تغییر کند یا اجر اشود

یک حقوقدان درباره بازنگری در قانون اساسی اظهار داشت: باید اصول برجا مانده قانون اساسی مانند اصل ۵۹ این قانون مورد بازنگری قرار گیرد. طبق اصل پنجاه و نهم قانون اساسی، «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرا مردم صورت گیرد. در خصوص مراجعه به آرا عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس «توافق اقتصادی داریم که حل نشده است و حل نمی‌شود یا باید به قانون اساسی تغییر پیدا کند یا ۵۹ با همین کیفیت اجرا شود. نعمت احمدی گفت: در مواردی هم تغییر خیلی موعع شده است، مثلا لان در قانون اساسی، نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان است. این نظارت معمولی است و تا مجلس سوم انجام می‌شد و نظارت استقلالی بود ولی نگهبان این نظارت به نظارت استصوابی تبدیل شد؛ لذا باید در مورد چندین اصل در قانون اساسی، فکر اساسی کرد. این اصول اگر به همین کیفیت باشد و به همین شیوه اجرا شود، با بن بست‌هایی روبه‌رو می‌شویم که با دست‌های معمولی نمی‌شود آن را باز کرد. وی ادامه داد: طبق اصل ۵۳ قانون اساسی نیز «کلیه در یافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات صورت می‌گیرد. در اختیار شورای عالی بودجه قرار می‌گیرد.» متأسفانه ما با قوانین عادی، نهادهای سازمان‌ها را از شمول اصل ۵۳ خارج کردیم و معلوم نیست پولشان کجا می‌رود. این وکیل دادگستری تصریح کرد: همچنین طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، «نظام اقتصادی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه‌وراه‌ها و نمادین اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. در مواردی نیز شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است.

مجید محتشمی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

جریان احمدی نژاد - انتصابات فامیلی؛ دو نقطه ضعف دولت

رئیس‌می‌تواند با عبور از این دو الیگارشی

استقلال خود را حفظ کند و همه را به باری بطلبد

اندیشه مطالبه‌گری باید تقویت شود

احزاب صرفا کارکرد انتخاباتی ندارند

پنجشنبه
۱۳۰۰۰۰۹۰۱۸

۰۴ جمادی الاولی۱۴۴۳ ه‍.ق / ۰۹ دسامبر ۲۰۲۱

armanmeli.ir

سال پنجم

شماره ۱۱۷۸



آرمان ملی: در جریان انتخابات خرداد ۱۴۰۰ شاهد شکاف و انشقافی در جبهه اصلاحات در مورد ورود یا عدم ورود به انتخابات بودیم، با فرو نشستن تب و تاب انتخابات و یکدست شدن قوا و در دوران تسلط اصولگرایان بر مدیریت کلان کشور، چنین وضعیتی طبیعتا فرصت مناسبی برای جبهه اصلاحات است تا با بازنگری در ساختار و شعارهایش بار دیگر پشتوانه مردمی خود را به‌دست آورد و با این پشتوانه در آینده بتواند وارد رقابت‌های انتخاباتی شود. این در حالی است که اصلاح‌طلبان هنوز با وجود گذشت چند سال از کنار رفتن از قدرت هنوز برنامه مدون و مشخصی برای بازنگری در راهبردها، رویکردها و نوازیی گفتمانی نداشته‌اند و عملکرد خود را مورد آسیب‌شناسی قرار نداده‌اند. در این راستا برای بررسی حال و روز جبهه اصلاحات و احزاب اصلاح طلب، عملکرد دولت طی ماه‌های گذشته و سایر تحولات سیاسی «آرمان ملی» با مجید محتشمی، فعال سیاسی به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

روند بازسازی و سیاست‌ورزی در جریان اصلاح‌طلبان

را بعد از انتخابات ۱۴۰۰ چگونه از بای می‌کنید؟

جبهه اصلاحات قبل از انتخابات ۱۴۰۰ در قالب شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان و با حضور ۳۱ حزب و تعدادی افراد شخصیت حقیقی نهایتا با ریاست موسوی لاری جلساتی را تشکیل دادند و منجر به این شد که نامزد نخبه و برجسته‌ای از میان اصلاح‌طلبان نتوانست به انتخابات ورود پیدا کند و با ردصلاحیتی که شد مجموعا شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در انتخابات فعال نبودند، چون نامزد مستقلی نداشتند و به نوعی برخی از احزاب از آقای همتی حمایت کردند. در بعد از انتخابات ۱۴۰۰ آنچه که مشاهده می‌کنید نام شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان به جبهه اصلاحات ایران تغییر کرد و همه بر این باور بودند که یک بازسازی اساسی از اصلاح‌طلبان اتفاق بیفتد و همه احزاب و افرادی که می‌توانند موثر باشند، بیایند و در قالب نام جدیدی به

احزاب صرفا برای این شکل نگرفته‌اند که در انتخابات وارد نشوند و پیست سیاسی و اجرایی بگیرند و بعد مسیرشان از مردم جدا کنند.

احزاب باید نقش جامعه‌محور برای اقامه حق داشته باشند

و ورود در رقابت‌های انتخاباتی است و نقش احزاب را بیشتر در ظهور و بروز انتخابات تعریف و تاثیر می‌کنند. اما نگاه جامعه محور احزاب به موضوع فعالیت‌های سیاسی کشور امری ملی و فرهنگی-سیاسی در جامعه است یعنی همه احزاب باید تلاش بکنند تا فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان خودمختاری مطلوب نبوده‌یم. به اعتقاد ما دولت در این صد روز موفقیت چندانی را کسب نکرده است. هرچند که دعا می‌کنیم از فرصت‌های باقی‌مانده استفاده بشود و به نوعی در جهت اصلاح امور دولت سیزدهم موفق باشیم.

آقای رئیس‌ی شعار دولت فرا جناحی و فراگیر دادند ولی در عمل این مقوله در انتصابات رعایت نشد.

آقای رئیس‌ی وابسته به حزب خاصی نبودند و بیشتر عقبه آقای رئیس‌ی در قبل یک گمده‌ای بین دوستان بودند. تفکر حزبی و تشکیلاتی نداشتند که افراد نخبه و هم‌رای و هم‌فکر در کنار ایشان باشند تا آقای رئیس‌ی دولت از آنها یک مجموعه گسترده‌ای برای مدیریت کشور انتخاب بکند. یک گمده‌ای از دوستان که برخی از آنها را ایشان نمی‌شناسد. یک مجموعه سیاسی‌تر جبهه‌یابداری است که آن‌هم یک گروه اندک سیاسی تندرو است در جامعه ما و شاهد هستیم که در جاهای حساس مستقر شده‌اند. به نوعی بدان‌ها نمی‌آید رئیس دولت را در این جبهه بیابند و هضم کنند. آقای

رئیس‌ی الان گرفتار دو الیگارش‌ی خویشاوندسالار و جریان الیگارش‌ی جبهه‌یابداری است. **همسویی دولت و مجلس تا کجا ادامه خواهد داشت و آیا در آینده شاهد شکاف بین مجلس و دولت خواهیم بود؟** در مجلس شاهد این هستم که یک مجموعه‌ای با مرکزیت آقای قالیباف که آن هم بیشتر جنبه‌ی ایدئولوژیک نداشته و جنبه‌ی پرگامتیستی، همکاری در و جبهه و در برخی از ارگان‌ها دارند، موفق شدند دور هم جمع یازدهم بتوانند یک سازماندهی مطلوب فکری و اندیشه‌ای را در بین خودشان فراهم کنند. یعنی یک مجموعه‌ای از افراد که ارتباطات و فکری همدیگر را دنبال نمی‌کنند و هر کدام از اینها که سواد سیاسی و دانشگاهی داشتند و در قالب یک حزب تمرکز نداشتند از قبل مانند آنچه در مورد آقای رئیس‌ی گفته شد به صورت گنده اجرایی‌تر نسبت در بر رئیس دولت در قالب

و مرکزیت آقای قالیباف دور هم جمع شدند و محصول آن هم این شده است که مجلس از توانایی فکری، اندیشه‌ای و منظومه‌فکری برجسته‌ای در حد انتظار برخوردار نیست و مساله‌ای در مجلس مطرح می‌شود که امکان امید و اعتماد را خدشه‌دار می‌کند. پس این تفکر در جامعه و آن چیزی که از برخی نظامیان که به استناداران و بعضی‌وزار تخته‌ها ورود پیدا کرده‌اند که به اعتقاد ما از نظر فکری منسجم‌تر هستند ولی با روح ورود نظامیان به جامعه سیاسی و ساختار سیاسی کشور که حضرت امام هم توصیه داشتند ما هم موفق نیستیم.

در جبهه اصلاحات اندیشه‌گرایی را تقویت کنیم.

دولتی که مدعی است که می‌تواند چهار میلیون واحد مسکونی را در

چهار سال بناکند، یو پولیستی است

یا واقعی، این وعده باید تحقق پیدا کند

عبدالرضا فرجی‌راد:

اراده برای حصول توافق در وین وجود دارد

۸۵درصد گفت‌وگوهای قبلی را نادیده بگیرد و در آن دست ببرد. وی افزود: اینکه مذاکرات از ابتدا صورت بگیرد طرف مقابل مقاومت می‌کند و اعلام می‌کند این خلاف انتظار ما بود. بحث‌ها در حال حاضر این است. ما باید ببینیم پنج شنبه چقدر طرفین می‌توانند با هم کنار بیایند. ایران پیشنهادش را ارائه کرده و قطعا در پایتخت‌های اروپایی مورد بحث قرار گرفته و با طرف آمریکایی نیز تبادل نظر شده است که در نهایت ببینیم آنها با چه پیشنهادی به وین باز می‌گردند. آنچه که مسلم است اینکه مذاکرات ادامه پیدا می‌کند، چرا که این اراده در دو طرف وجود دارد که به توافق دست پیدا کنند. این کارشناس ارشد سیاست خارجی ادامه داد: البته در این میان خناسانی مانند اسرائیل هم هستند که سعی دارند در این مسیر اختلال ایجاد کنند و همین نگرانی اسرائیل به این معنی است که امیدواری برای حصول توافق وجود دارد و طرفی صورت می‌گیرد؛ دیپلماسی به معنی این نیست که در مذاکرات یک کشور به ۱۰۰درصد خواست خود برسد و در نتایج شش دور

سخن روز

حمایت از در دانه خودرو ساز ضررده تاقی؟

ادامه از صفحه اول / تفاوت قیمتی که به جیب دلالتان می‌رود. سیاست بدون پشتوانه رقابتی در بازار تولیدی محقق‌های داخلی که مدعی هستند ایران خودرو به‌ازای تولید هر خودرو، ۳۵ میلیون تومان ضرر می‌دهد، دیگر خودروسازها هم ضررهایی مشابه همین دارند. به گفته آقای احمد نعمت‌بخش، دبیر انجمن خودروسازان شرکت ارتاد خودرو در سال گذشته بالغ بر ۱۵هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان ضرر داده است که با جمع ضررهای انباشته شده گذشته، عدد ۸۵ هزار میلیارد تومان هم‌کنون در دفاتر ایران خودرو ثبت است. آمار سایپا و پارس خودرو هم مشابه آمار ایران خودرو است. به این خبر هم توجه کنید: ادامه ارائه صورت مالی ۹ ماهه خودروسازان به بورس نشان می‌دهد که زبان انباشته سه خودروساز بزرگ کشور یعنی ایران خودرو، سایپا، پارس خودرو تا پایان آذرماه جاری حدود ۴۳هزار میلیارد تومان است یعنی طی ۹ ماه ۴۳هزار میلیارد تومان منفرض شده‌اند. یعنی ۱۳ میلیارد دلار با دلار آزاد. اگر ۸۵ هزار میلیارد تومان را هم با دلار آزاد بسنجیم عدد ۲۵ میلیارد دلار به‌دست می‌آید. عددی که در بحران مالی که در آغاز دولت اوباما آمریکا افرا گرفته بود با تزریق ۲۵ میلیارد دلار به صنعت خودروی آمریکا، این صنعت را دوباره سر آمد صنایع آمریکا و جهان کرد. حال پرسش این است کدام عقل سلیم می‌پذیرد، درانه‌ای به اسم صنعت خودرو در کشور وجود داشته باشد که به‌خاطر این عزیزکرده از ما بهتران مانع ورود خودرو، حتی خودروهای دست‌دوم خارجی که در شان ملت ایران نیست، می‌شود. اجازه همین این صنعت ضررکرده باز هم به تولید خود در جاده پر سرعت ضرردهی ادامه دهد. چه کسانی پشت صنعت خودرو کمین کرده‌اند که با تکیه بر خودروی بازم هم مجوز افزایش قیمت به خودروی محبوب داخلی با همه ضررهای بالای آن داده می‌شود؟ تفاوت قیمت کارخانه با قیمت بازار از مبلغی

است و سوسه‌انگیز و این مبلغ به جیب افراد خاصی می‌رود که این انوار را دارند، همه قوانین را ملته قانون‌گردن خودروی جدید در مقابل اسقاط خودروی کهنه بايستند و یا سیستم موتوری خودرو هیچ تغییری نکند و سهم آلایندگی آن کم‌اگان ادامه پیدا کند. بازهم بازار سیاه بین کارخانه و مصرف‌ران این دسته‌هاگه می‌دارند. به این آمار توجه کنید: قیمت محصولات ایران خودرو در بازار تغییرات به شرح زیر دارد. خودروی پژو پارس مدل ۱۴۰۰ از قیمت ۲۷۰ تا ۲۷۹ میلیون تومان خرید و فروش شد. قیمت پژوی ۲۰۶ تپ مدل ۲۰۰۶ معادل ۴۴۰ میلیون تومان خرید و فروش شد. این درحالی است که قیمت این خودرو در نمایندگی ۱۲۷ میلیون تومان است. با قیمت مسند ۱۳۲، LX۰۱ میلیون تومان در کارخانه اما در بازار آزاد ۲۴۱ میلیون تومان است. نگاهی به سایر قیمت‌ها هم در سایت‌های مختلف داشته باشیم، متوجه می‌شویم قراچه می‌شویم که صنعت درانه خودرو به‌رغم ضررهای زیاد که برای آنها تولید کرده است، سود سراسری به جیب واسطه‌هایی می‌برد که این واسطه‌ها سال‌هاست اجازه نداده‌اند قیمت‌گذاری خودرو سر و سامانی به‌نفع مصرف‌کننده پیدا کند. پرسش این است؛ تولیدکننده هم که برابر آمارهای کار ذکر شده ضرر می‌دهد، پس چرا به تولید خود ادامه می‌دهد؟ ما نمی‌دانیم شاید فاصله سووده بین کارخانه و بازار مصرف که اتفاقا شکاف عظیمی است، به‌وسیله عده‌ای جیب‌شان پر می‌شود که قادرند صنعت ضررده تولید خودروی داخلی را کم‌اگان سرپا نگه دارند تا جایی که بخش ضررده و زیان‌انباشته شده کارخانجات تولید خودرو، این صنعت را به ورزیکستگی کامل برساند. فکری به حال درانه ضررده‌ی به اسم صنعت خودروی داخلی بکنید. پدران ما در مثال‌های خود می‌گفتند «جلوی ضرر را هر کجا بگیري منفعت خود می‌بینیم که در اینجا عده‌ای که می‌توانند این صنعت را سرپا نگه دارند، در بخش ضرر دیدگان قرار نمی‌گیرند بلکه مابه‌التفاوت قیمت آزاد و قیمت کارخانه به جیب اینها می‌ود. خنده‌دار است، در قرن ۲۱ که برای فروش کالا و انواع و اقسام روش‌ها را باید به کار برد، در ایران صنعتی وجود دارد که باید برای خرید کالاهای محبوب آن در نوبت ایستاد و اگر بخواهد از بازار آزاد تهیه کند، مبلغ هنگفتی باید به جیب دلالتی‌سرازیر کند که این دلالتان صنعت خودروی ایران را تا هم‌اکنون اجازه نداده‌اند تبدیل به صنعتی ملی شود. یاد خیامی به خبر که صنعت داشت صنعت خودروی مونتاژ خود را در کوتاه‌زمان به صنعتی ملی تبدیل کند.

نگاه

حکایت تلخ انتقال آب به مرکز کشور

ادامه از صفحه یک /

ریزگردها و آثار مخرب زیست محیطی نیز دامنگیر ایران‌شود. واگذاری منابع کشور به افراد درون ساختار قدرت موجب تخریب محیط زیست شده و آب بسیاری را برای استحصال منابع مصرف کرده که آن نیز ناشی از سیاست‌های به اصطلاح خصوصی‌سازی است که معادن کشور را در اختیار دوستان و آشنایان قرار می‌دهد تا آنها هر اقدامی که خواستند، برای استحصال معادن از منابع آبی داشته باشند. احداث کارخانه‌های فولادی و پتروشیمی در مناطق خشک و کویری کشور از دلایل اتلاف منابع طبیعی و منابع مالی کشور است که امروز باعث شده جامعه‌ما در این بحران دست و پا بزند و اسیر آن باشد. برای نمونه در خراسان مرکزی در ششاع ۱۰۰۰ کیلومتری ۷ کارخانه فولاد وجود دارد که با ظرفیت ۱۵ یا ۲۰ درصد خود فعالیت می‌کنند. با توجه به شهرت زیاد شاهد رشد بی‌سابقه صنایع سرامیک و فولاد هستیم. شاهد بودیم که در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری که روسای‌جمهور از آن مناطق آمدند صنایع آب و برق در آنها ایجاد شده در حالی که منابع آری و ریالی آن باید صرف استقرار این صنایع در مناطق حاشیه خلیج فارس می‌شد. در اسفند سال ۹۶ انتقال آب از دریای عمان به صنایع مرکزی ایران تصویب شد که یک فاجعه است و از آن عنوان موفقیت‌مندی یاد شد در حالی که صنایع فولادی باید به حاشیه خلیج فارس منتقل شود. هزینه کشور صرف لوله‌کشی برای انتقال آب به کویر ایران می‌شود

و طوری که به‌ازای هر متر مکعب ۵ دلار هزینه و نیاز به انرژی و برق دارد در حالی که اصلی‌ترین مسئله این مناطق، آب شرب آنهاست. در سال ۹۷ مقدار زیادی محصولات کشاورزی ما به کشورهای مانند عراق و پاکستان قاچاق شد در همین سال ۷۵۰هزار تن پنباز و سبب‌میتنی که بسیار آب هستند به همسایگان صادر کرده‌ایم. علاوه بر این ۱۱۰ هزار میلیارد تومان یارانه حمل و نقل کشور در این سال بود که قطعا بخشی از آن در محصولات صادر شده مصرف شده است.